

نقد نظریه تربیتی ژان ژاک روسو از منظر تعلیم و تربیت اسلامی

کلثوم آقائی^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح ۲، مدرسه علمیه حضرت رقیه (سلام الله علیها)، رامهرمز

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم و حدیث، دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

انسان همواره در معرض لغزش ها، انحرافات و گناهان است و نفس سرکش آدمی او را بسیار به بدی امر می کند و از آنجا که تعلیم و تربیت با رشد و کمال انسان و زندگی شایسته او سر و کار دارد و همین تربیت و پرورش است که به انسان می آموزد و وی را به سوی کمال رشد و نمو می دهد. روشن است که یک جامعه سالم و رشد یافته باید دارای یک نظام تعلیم و تربیت پیشرفته باشد، تا از این راه انسان های آزاده، مستقل، خلاق، مبتکر و تلاشگر در اجتماع یابند و بدون توجه به نقش آموزش همراه با پرورش نمی توان به چنین مقصودی رسید. از این جهت بشر باید روش تربیت صحیح و مناسب را برا علم آموزی از بین آراء تربیتی مشخص و به آن عمل کند. در این پژوهش برای رسیدن به گوشه ای از این هدف دو نظریه غربی و اسلامی را بررسی میکنیم که ابتدا نظریه ژان ژاک روسو را مورد بررسی قرار می دهیم و سپس به مقایسه و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته شد. تحقیق حاضر با استناد به منابع تاریخی - نقلی و شیوه ی کتابخانه ای گردآوری، و به روش توصیفی- تحلیلی به تحلیل مسأله می پردازد.

واژه های کلیدی: تربیت، تربیت اسلامی، ژان ژاک روسو، نقد نظریه، نظریه تربیتی

مقدمه

هر موجودی را کمالی است و به تبع آن، هدف تربیتش رسیدن بدان کمال است. بنابراین هدف تربیت آدمی، تسهیل سیر صعودی انسان به سوی کمالی است که در خلقتش مقدر شده است.

تربیت یعنی پرورش دادن به عبارتی یعنی استعداد های بالقوه که در یک شیء موجود است را به فعلیت در آوردن و پروریدن که مهم ترین بخش نظام مقدس اسلام بعد تعلیم و تربیت است. به همین دلیل شناخت نظام تعلیم و تربیت اسلامی ضروری هست.

اما این شناخت به شیوه های گوناگون به دست می آید و یکی از این روش ها پرداختن به نظریه های تربیتی صاحب نظران آموزش و پرورش جهان و تحلیل و بررسی و نقد آراء ایشان از منظر اسلام است.

لذا نظریه تربیتی ژان ژاک روسو که پس از افلاطون بزرگترین فیلسوف غرب هستند را مورد بررسی قرار می دهیم. پژوهش هایی در این زمینه صورت گرفته، از جمله می توان مطالعه تطبیقی آراء تربیتی امام صادق (علیه السلام) و ژان ژاک روسو از عباس رهبری و فلسفه ی مکتب های فلسفی و مبانی علوم اثر علی شریعتمداری را نام برد.

لیکن ضرورت پرداختن به این مبحث این است که به توان تربیت صحیح را به انسانی که دارای ابعاد مختلف است و با تربیت صحیح و مناسب می تواند پله های ترقی و تعالی و نیل به مقام قرب الهی را راحت تر و آسان تر طی کند، با پرداختن به مکتب های مختلف شناساند؛ که در میان همه ی مکتب ها، کاملترین دین نزد خدا، دین اسلام است که به همه ی ابعاد وجودی انسان توجه ویژه و کاملی کرده است.

مفهوم شناسی

تربیت در زبان فارسی به معنای: «پرورتن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، آموختن و پرورتن کودک تا هنگام بالغ شدن» به کار رفته است. واژه ترکیبی «تعلیم و تربیت» نیز به معنای «آموزش و پرورش» آمده است.

در زبان عربی واژه ی «التربیه» مصدر باب تفعیل است. این واژه می تواند با دو ریشه «رَبَّ» و «رَبَوَ» در ارتباط باشد.

ریشه «رَب» به معانی گوناگونی چون حضانت و در دامان خود پرورتن، حفظ و مراعات و سرپرستی، اصلاح و بر عهده گرفتن کاری و ملازمت با آن، ایجاد چیزی و به تدریج تکامل بخشیدن به آن به کار می رود. و همچنین به معنای سوؤ دادن شیء به سوی کمال و رقع کمبودها به واسطه ی تخلیه و جایگزینی است؛ خواه این فرآیند در جهت ذاتیات شیء باشد و

۱. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۵۵۰.

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۸۳.

۳. فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۲۵۷.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۸، ص ۴۰۱.

۵. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۸۲.

۶. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۷۷.

با عوارضش، در اعتقادات و معارف باشد یا در اخلاق و صفات و یا در اعمال و رفتار باشد یا در دانش های رایج؛ در انسان واقع شود یا حیوان یا گیاه.

۷

تربیت، عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر در مورد غیر جاندار این کلمه را به کار ببریم مجازاً به کار برده ایم نه اینکه به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده ایم.

۸

از نظر ریشه یابی ریشه کلمه انگلیسی واژه تربیت به این نتیجه می رسیم که تربیت عبارت است از: «بیرون کشیدن کودک از حالت نخستین و از خود بیرون آمدن او»؛ بعد ها به معنای مراقبت که در پرورش و تغذیه به کودکان اعمال می شود، مراقبت در امر پرورش روحی آنان و آموختن علم و مهارت نیک به آنها نیز به کار رفته است. مفهوم تربیت در بردارنده و جامع تمام اجزا و عناصر مرتبط با این فرآیند مانند، تعلیم تزکیه، تأدیب، تدریس، و مهارت آموزی است.

۹

به عبارتی همه ی یافته ها و گزاره هایی که در باب انسان ارائه می شود و در حوزه ی تربیت کارآیی دارد، مبانی تربیت را تشکیل می دهد، مبانی تعلیم و تربیت از موقعیت انسان و امکانات و محدودیت های او و نیز از ضرورت هایی که حیاتش همواره تحت تاثیر آن هاست بحث می کند.

ژان ژاک روسو تربیت را هنر یا فنی می داند که به صورت راهنمایی یا حمایت و هدایت نیروهای طبیعی و استعدادهای متربی و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن تحقق می پذیرد. از نظر او تربیت، فرآیند پرورش متربی در گستره ی استعدادهای مادرزادی است.

۱

۱

بند اول: نظریه ی تربیتی ژان ژاک روسو

روسو در ۲۸ ژوئن سال ۱۷۱۲ م در جمهوری ژنو دیده به جهان گشود. نه روز پس از ولادتش مادرش درگذشت. در سال ۱۷۲۲ پدرش برای فرار از زندانی شدن مجبور به ترک پسرش شد و او را به برادرش که یک کشیش پروتستان بود، سپرد. پس از چند ماه، عموی روسو او را به کشیش پروتستان دیگری به نام لامبرسیه و روسو حدود دو سال را نزد او و خواهرش گذراند.

روسو در سال ۱۷۲۸ از ژنو گریخت و مدتی در نزد کشیشی ماند و سپس در شهر آنسی نزد خانم وارنس رفت، سپس در شهر تورن به یکی از دیر های کودکان سپرده شد و در آنجا از مذهب پروتستان به مذهب کاتولیک گرایش یافت.

۷. مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ص ۱۹.

۸. مطهری، تعلیم و تربیت، ص ۵۶.

۹. صادق زاده، گزارش تلفیق یافته های مطالعات نظری، فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۱۵.

۱. پاک سرشت، نظریه های تربیتی و چالش های نظریه پردازی در آموزش و پرورش ایران، ص ۱۳۱.

۱. رفیعی، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، ص ۹۲.

پس از مدتی روسو در دهکده ای نزدیک آنسی، مستقر شد و موسیقی را نزد سرپرستش آموخت. او در سال ۱۷۳۹ اولین کتاب خود را در وصف دهکده ای که در آن زندگی می کرد نوشت. وی در سال ۱۷۴۵ با همسرش آشنا شد. آنها دارای پنج فرزند شدند که هر کدام را به یتیم خانه سپردند. این موضوع، سالها بعد هنگامی که روسو کتاب «امیل» که در مورد روش مطلوب تربیت کودکان است نوشت، توسط ولتر (که روسو او را از دشمنانش می دانست) به جمع اعلام شد.

در سال ۱۷۵۶ روسو پاریس را ترک کرد و تا سال ۱۷۶۲ زندگی بیلاقی در مون موآرنسی را برگزید. در این سال مطالعه دو کتاب وی «قرارداد اجتماعی» و «امیل» در پاریس ممنوع و دستور بازداشت روسو صادر گردید اما وی به سوئیس گریخت اما این کتاب در سوئیس ممنوع شد و وی مجبور شد به پروس فرار کند. و سپس در پاریس ساکن گردید و نوشتن کتاب اعترافات خود را ادامه داد.

روسو در سال های آخر عمر خود به نگارش زندگانی شخصی و عاطفی خود پرداخت. او در ۲ ژئیه ۱۷۷۸ به علت سکته مغزی در در منزل خود در نزدیکی پاریس چشم از جهان فرو بست. ایشان نظریه ای در باب تعلیم و تربیت بر جای گذاشتند که به بررسی اصول و روش های آن می پردازیم.

اصل پیروی از طبیعت

یکی از اصولی که پایه و اساس بسیاری از نظریات تربیتی روسو را تشکیل می دهد اصل پیروی از طبیعت می باشد. روسو اظهار می دارد: "طبیعت، بدن را تقویت می کند و رشد را به وسیله ی ابزارش اجازه می دهد، و لذا تنها تلاش شخص باید آن باشد که هیچ کاری انجام ندهد که عمل طبیعت را از بین ببرد".

آراء و اندیشه های روسو را عموماً در ذیل مکتب طبیعت گرایی بررسی می کند، این مکتب بر این فرض مبتنی است که طبیعت بنیاد واقعیت است. یا به عبارت دیگر قلمروی واحد از واقیت وجود دارد و آن ماده ی در حال حرکت است.

مضامین عمده ی این مکتب عبارتند از:

- ۱- برای تامین مقاصد آموزش و پرورش باید به طبیعت و طبیعت انسانی به مثابه جزئی از نظام طبیعی توجه کرد.
 - ۲- حواس کلید درک طبیعت است؛ ادراک حسی مبنای معرفت ما را نسبت به طبیعت تشکیل می دهد.
 - ۳- چون فرآیندهای طبیعی گُند، تدریجی و تکاملی اند آموزش و پرورش هم باید فارغ از عجله باشد.
- علت اظهار عقیده مذکور نیز توسط روسو آن است که وی حقیقتاً اعتقاد دارد که: اولین تحرکات و عملیات طبیعت همیشه خوب و صحیح هستند و هیچ گناه و خطای اولیه و قبلی در قلب بشر وجود ندارد. و طبیعت، خوب است قبل از آن که هیچ عادتی تشکیل شود، همچنین طبیعت خوب است، آنگاه که عادات بر طبق طبیعت تشکیل یافته و شکل گیرند.

۱. روسو، امیل یا آموزش و پرورش، صص ۸-۳. ۱

۱. گوتک، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ص ۹۳. ۱

اصل تربیتی بودن تربیت

به عقیده ی روسو خودداری از عجله در تربیت به معنای اتلاف وقت است، باید اجازه داد تا طبیعت در زمان لازم آنچه را که لازم است را به فرد بیاموزد.

روسو چنین بیان می کند که: «برای جلوگیری از بروز بدی و انجام نیکی عجله نکنید و بگذارید طبیعت کار خود را انجام دهد و در کار آن زودتر از موقع دخالت نکنید».

این سخنان حاکی از آن است که باید در فرصت لازم اجازه داد، تا رشد طبیعی مسیر خود را طی کند و هر گونه شتاب و عجله موجب اخلال در طبیعت خواهد شد. این سخنان به معنای بیهوده بودن آموزش و پرورش کودکان نیست بلکه تنها قصد آن بیان این موضوع است که آموزش کودکان باید با هر یک از مراحل رشد طبیعی او سازگار باشد.

اصل آزادی کودک

از نظر روسو باید به کودکان اجازه بدهیم که آزادانه فعلیت کنند و از زندگی لذت ببرند. او معتقد است این اشتباه بزرگی است که در دوران کودکی ذهن او با انواع مفاهیم انتزاعی انباشته کنیم. باید کودک را رها کرد تا از کودکی خود لذت ببرد. به همین علت مربیانی که برنامه خیالی آنان این است که امیال ناپسند انسان را در سن کودکی تصحیح کنند تا مانع بروز در سن بلوغ شوند مورد شماتت روسو قرار می گیرند.

دستورالعمل هایی که به تصور آنان مناسب است و به کودک تحمیل می شود ممکن است در آینده نه تنها مفید نباشد بلکه زبان هم داشته باشد. پرورش کودک برای آینده ای مطلوب از طریق آموزش انضباط زود هنگام در واقع جلوی رشد الان را میگیرد.

کودکان بیش از آن که تبدیل به انسان های بالغی شوند، باید دوران کودکی را به روال طبیعی آن بگذرانند. در سنی که کودک استدلال را درک نمی کند عقل و منطق برای او فایده ای ندارد و تنها به محرومیت او از آزادی و از لذتی که حق دارد در این سن تجربه کند منجر خواهد شد. چنانچه روسو چنین بیان داشته است: «هیچکس حتی پدر کودک، حق ندارد آن چه برای کودک سودمند نیست به او تحمیل کند».

دغدغه ی اصلی روسو مساله ی آزادی است و از وابستگی انسان بیشترین ترس را دارد. به عقیده ی وی باید به اندازه ی کافی وقت در اختیار مربی بگذاریم تا خود تجربه کند.

هنگامی که کودک را آزاد بگذاریم او فرصت خواهد داشت شخصیت خود را بروز دهد و ما فرصت خواهیم داشت شخصیت او را بهتر مشاهده کنیم.

۱. سمیعی، بازخوانی اصول تعلیم و تربیت در نظام فکری روسو، ص ۱۴۹.

۱. روسو، امیل یا آموزش و پرورش، ص ۱۲۸.

۱. دانایی، کاربرد نظریه منفی روسو در روانشناسی جدید، ص ۲۳۷.

۱. روسو، امیل یا آموزش و پرورش، ص ۷۰.

۱. همان، ص ۸۴.

در واقع روسو شیوه ی تربیت را از آزادی به سمت انضباط می داند. او عقیده دارد که باید به کودک آزادی داد تا در سایه ی آن رشد کند و به تدریج پس از طی نمودن رشد طبیعی به سمت انضباط پیش برود و در بزرگسالی فرد منضبط بشود. روسو مخالف اعمال سخت گیرانه در تربیت است و از آزادی طبیعی در طبیعت متربی تأکید دارد. روسو می خواهد امیل با حداقل موانع ممکن تربیت شود. او براساس علایق و از طریق تجربه به امیل می آموزد و موضوعات را به وی تحمیل نمی کند. از نظر روسو اگر امیل به طور صحیح تربیت شود به فردی آزاد، مسئول و مهربان تبدیل خواهد شد. روسو عقیده دارد خود کودک باید زندگی را بیازماید و نباید معلومات کتابی را به او تحمیل کرد.

روش تعلیم و تربیت منفی

یکی از روش هایی که ژن ژاک روسو بر اساس اصل پیروی از طبیعت مطرح می سازد "روش تعلیم و تربیت منفی" است. منظور وی از روش مذکور آن است که: «اگر آدمی طبیعتاً خوب است، بالطبع مادام که چیزی از خارج او را به فساد نکشاند است همچنان خوب باقی می ماند. لذا روسو با توجه به این اعتقاد خود، اظهار می دارد راه ورود بر معایب را ببندید، در نتیجه قلب انسان برای همیشه پاک و صاف خواهد ماند.

تعلیم و تربیت منفی روسو دارای دو بعد است، بعد اول آن است که ذهن و روان انسان باید تا وقتی که تمام قوا و استعداد های خود را بدست آورده باشد محفوظ باقی بماند.

بر این اساس هیچ گونه آموزش و تعلیم فضیلت و حقیقتی به کودک تا حدود سن دوازده سالگی داده نشود و قلب او از هر گونه گناه و شرارت و ذهن و روان او از هر گونه اشتباه حفظ و نگهداری گردد.

بعد دوم آن است که قبل از سن استدلال و تعقل، کودک تصاویر را دریافت می دارد. اما مفاهیم و ایده ها را به درستی دریافت نمی دارد. لذا کودکان ناتوان از قضاوت بوده و دارای هیچ گونه حافظه واقعی نمی باشند، لذا باید از آموختن مفاهیم و آراء فکری به کودکان خودداری کرد و کودک را از الگو های نامناسب به دور نگه داشت تا موجبات فساد او فراهم نشود.

با توجه به نکات فوق است که روسو از تعلیم و تربیت منفی حمایت و طرفداری می نماید و بیان می دارد من با تمام قوا می گویم که آموزش و پرورش خوب باید منفی باشد.

بنابراین روسو هدف از تربیت منفی را این گونه بیان داشته است: مراد از تربیت منفی، تربیتی است که قبل از دادن معلومات سعی می کند که اندام هایی را که وسیله ی کسب معلومات هستند دقیق تر سازد.

تربیتی که از راه ورزیدن حواس، کودک را برای تعقل آماده نماید. تعلیم و تربیت منفی به کسی که فضایل اخلاقی نمی دهد ولی از معایب جلوگیری می کند کودک را از اشتباه حفظ می کند.

وقتی کودک به سن تمایل به حقیقت برسد آنچه که برای درک حقیقت لازم است به او می آموزد و وقتی به سن تمایل به خیر برسد آن چه را که برای تشخیص خیر لازم است را در اختیارش بگذارد.

۱. غفاری، بررسی آزادی و انضباط در فرآیند تربیت از دیدگاه کانت و روسو، ص ۱۰۳.

۲. شاتو، مربیان بزرگ، ص ۴۷.

۳. علوی، شریعتمداری، بررسی تطبیقی آراء تربیتی ژان ژاک روسو و اسلام، صص ۱۲-۱۳.

همچنین روسو در باب تربیت اخلاقی معتقد است که نیازی نیست والدین به فرزندان خود بگویند چه چیزی خوب است و چه چیزی بد، فقط باید آنها را از کارهای انحرافی دور نگه داشت (دوری از محیط آلوده به فساد)، همچنین آنها را تحت فشار قرار ندهیم تا برای انجام کارهای خود دلیل بیاورد. در صورت پافشاری والدین برای کارهای کودک، آنها متوسل به دروغگویی می شوند.

روسو به این نوع تربیت همچنین تربیت منفی می گوید. با توجه به آراء روسو در باب تربیت اخلاقی می توان اینطور نتیجه گیری کرد که روسو درباره ی تربیت اخلاقی دارای دو نکته است:

- ۱- انسان در هنگام تولد دارای فطرتی پاک است و جامعه است که او را به سمت فساد و آلودگی سوق می دهد.
 - ۲- تربیت منفی میت واند روشی باشد در تربیت اخلاقی برای فرد، بدین معنا که نیازی نیست کسی به فرد یاد دهد که چه چیزی خوب است و چه چیزی بد، فقط باید افراد را از شرایط فساد آلود دور کرد. در این صورت آنها یاد خواهند گرفت که به سمت اعمال فساد نروند و طبیعت راه درست زندگی کردن را به افراد نشان خواهد داد.^۳
- از سوی دیگر روسو می گوید برای طفلی که هنوز به سن تکلیف نرسیده است، مسائل اخلاقی و روابط اجتماعی مفهومی ندارد بنابراین، باید حتی الامکان از استعمال کلماتی که این مفاهیم را بیان می کند اجتناب نماید تا مفاهیم غلط این کلمات را از همان اول از سر کودک بیرون کنیم.^۴

نظریه ی مجازات طبیعی

نظریه ی مجازات طبیعی روسو بر این اصل استوار است که انسان هرگز در تربیت خردسالان نیازی به تنبیه و مجازات ندارد. زیرا برای هر عملی مجازات و تنبیه طبیعی وجود دارد. کودکی که سیب فاسد می خورد دچار دل درد و تهوع می شود، طفلی که به آتش نزدیک می شود، آسیب می بیند، و کودکی که با چاقو بازی می کند تنبیه و مجازات طبیعی برای او زخم و جراحت حاصل از بریدگی است و در واقع کودک نتیجه ی عملکرد خود را به صورت طبیعی دریافت می دارد. و بالاخره برای هر عمل و رفتار غیر مطلوبی، تنبیه و مجازات طبیعی وجود دارد. لذا او کودک را وا می گذارد و می گوید طبیعت عهده دار تنبیه و مجازات اعمال نامطلوب کودک است.

بر این اساس روسو نیز امیل را به گونه ای پرورش می دهد که تنها مجازات طبیعی که می شناسد «نتیجه طبیعی» عملکرد ناروایش خواهد بود چنان که مثلاً اگر شیشه ی پنجره را بشکند بهتر است از سرما بر خود بلرزد تا بر کرده ی نامطلوب خود واقف گردد.^۵

^۲. شاتو، مربیان بزرگ، ص ۱۹۶.

. امید، فضل الهی قمشی، پژوهشی در اصول روش های تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی (علیه السلام) و ژان ^۲ ژاک روسو، ص ۵۹.

. روسو، امیل^۴ یا آموزش و پرورش، ص ۷۶. ^۲

^۵. شاتو، مربیان بزرگ، ص ۲۰۳. ^۲

روش عدم عادت

روش تربیتی دیگری که روسو مطرح می سازد، « روش عدم عادت» است. بر اساس این روش، روسو معتقد است که تنها به اولین عادتی که باید بگذارد کودک پیدا بکند، این است که به هیچ چیز عادت نکند. اعتقاد روسو به موضوع مذکور تا حدی است که وی حتماً با یاد گیری عادتی هم نیز مخالف بوده است.

هدف تعلیم و تربیت از دیدگاه روسو

هدف از تعلیم و تربیت از دیدگاه روسو حفظ طبیعت فطرتاً نیک و آزاد کودک در برابر فساد محیط اجتماعی است. به نظر او تربیت درست، تربیت منفی است یعنی برای اینکه طبیعت بتواند آزادانه رشد بکند باید کودک را از جامعه دور نگه داشت تا به سن عقل برسد.

انطباق و هماهنگی کامل با طبیعت هدف غائی تربیتی اخلاق روسو است. از نظر او، طبیعت کودکان به طور ذاتی نیک است، بدین علت روسو توصیه می کند که طبیعت را ملاحظه کنید و راهی را که طبیعت برای شما مشخص کرده است دنبال نمایید. لذا می بینیم در نظر روسو بازگشت به طبیعت به معنای برگشتن به حالت حیوانی نیست، بلکه به معنای دادن یک موقعیت به انسان، به منظور ساختن خود به طور کامل و هماهنگ می باشد. لذا سعادت را فقط از طریق حفظ و نگهداری تمایلات در محدوده ی تعیین شده به وسیله طبیعت می توان بدست آورد.

بند دوم: نقد نظریه ی ژان ژاک روسو از منظر تربیت اسلامی

نقد اصل پیروی از طبیعت روسو

اسلام قائل به طبیعت عالی و نیکوی انسان می باشد. از دیدگاه قرآن کریم، اسلام از کلمات ذاتی و شرافت ذاتی برخوردار است. و سرشت انسان، علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد، عنصری ملکوتی و الهی وجود دارد. آفرینش انسان آفرینشی حساب شده است و تصادفی نیست، انسان موجودی انتخاب شده و برگزیده است. استاد علامه طباطبایی نیز در جلد شانزدهم تفسیر المیزان بیان می دارد که انسان نیز مانند سایر انواع مخلوقات مفلور به فطرتی است که او را به سوی تکمیل نواقص خود و رفع حوائج اش هدایت نموده است.

انسان از این جهت که انسان است بیش از یک سعادت و شقاوت ندارد و چون چنین است لازم است که در مرحله ی امر تنها یک سنت ثابت برایش مقرر شود تا آن سنت وی را به یک هدف ثابت هدایت فرماید و باید این هادی همان فطرت و نوع خلقت باشد.

۲. آقا حسینی، صفدریان، مقایسه تعلیم و تربیت کودکان از دیدگاه ابن سینا و ژان ژاک روسو، ص ۹۸.

۲. کاردان، سیر آراء تربیتی در غرب، ص ۱۳۸.

۲. روسو، امیل^۸ یا آموزش و پرورش، ص ۵۹.

۲. علوی و شریعتمداری، بررسی تطبیقی آراء تربیتی ژان ژاک روسو و اسلام، صص ۲۲-۲۱.

نقد روش منفی تربیت روسو

خداوند در آیه ی ۱۲۵ سوره ی نحل می فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه هایی که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پرورگار تو به حال کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به حال راه یافتگان نیز داناتر است.

موعظه یعنی ذکر نمودن اعمال نیک به گونه ای که قلب شنونده از شنیدن آن رقت بیابد و تسلیم گردد، اما خداوند موعظه را به قید (حسنه) مقید نمود، لذا معلوم می شود که همه ی موعظه ها نیکو و حسنه نیستند.

امام علی (علیه السلام) نیز تربیت منفی را اینگونه تبیین می کند که علاوه بر حفظ کودک از عوامل منحرف کننده، باید در هر مقطع سنی به ویژه در کودکی و نوجوانی حتی المقدور با روش های گوناگون از جمله پند و نصیحت کودک را متوجه امور پسندیده نماید؛ با زبان کودکانه مسائل معنوی را مطرح ساخت و فرد را به سوی آن سوق دهد و افراد را در سنین شکل پذیری به تدریج با اجتماع و مسائل آن آشنا سازد.

۳

نقد مجازات طبیعی روسو

روایاتی از معصومین (علیهم السلام) داریم که بر تنبیه بدنی و غیر بدنی کودکان دلالت می کند و همین خود نقدی بر نظریه ژان ژاک روسو است که بیان می کند که به هیچ وجه نباید کودک را تنبیه کرد و فقط باید کودک به وسیله ی طبیعت تنبیه شود.

آمده است که شخصی نزد امام علی (علیه السلام) رفتند و از فرزند و رفتار بد او شکایت کردند، حضرت فرمودند: «لا تَضْرِبْهُ وَأَهْجِرْهُ لَا تَطُلْ»؛ فرزندت را زن و برای ادب گردنش از او قهر کن؛ ولی مواظب باش که قهرت طول نکشد. این روایت خود دلالت بر جواز تنبیه فرزند در زمانی است که وی رفتار نامناسب داشته باشد.

همچنین در مورد تنبیه بدنی پیامبر صلی علی و آله و سلم می فرمایند: «أَدَبُ صِغَارِ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ ...»؛ فرزندان خردسالت را با زبان به نماز و وضو انس و عادت دهید و آنگاه که به سن ده سالگی رسیدند، آنها را به خاطر سستی و سهل انگاری در نماز بزن، ولی از سه ضربه فراتر نرود.

همچنین با توجه به اینکه انسان همواره در معرض لغزش ها، انحرافات، و گناهان است و این نفس سرکش بسیار به بدی امر می کند، امام علی (علیه السلام) در سخنی، این گونه فرموده اند: «إِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ لَأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ فَمَنْ أَحْمَلَهَا جَمَحَتْ بِهِ إِلَى الْمَأْثِمِ»؛ همانا این نفس به بدی و گناه فرمان می دهد پس هر که آن را وا گذارد او را به سوی گناهان می گذارد.

۱. امیدی، فضل الهی قمشی، پژوهشی در اصول و روش های تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی و ژان ژاک روسو، ۳

صص ۴۹-۵۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۶۷. ۳

۳. متقی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۰. ۳

به همین خاطر است که بزرگان همواره در دعا‌های خود از خدا مدد می طلبند و می گویند: « اَلْهٰی لَا تَكِلْنِیْ اِلٰی نَفْسِی طَرَفَةً عِینِ اِبْدًا»؛ الهی هیپ گاه به اندازه ی یک چشم بر هم زدن مرا به حال خود وا مگذار. و چنان چه مسلم است کارهای اشتباه و خلاف، تنبلی ها و سستی ها مانع رسیدن انسان به سعادت حقیقی اش می باشد.

یکی از آخرین عوامل خارجی برای بازداشتن انسان از این موانع و مهار این نفس طغیانگر، تنبیه یا کیفر است، که روشی مناسب برای بیدار کردن و بازداشتن از کج روی ها و مانعی در رفتن به سوی گناهان به هلاکت انسان است. تنبیه و مجازات بر طبق ضوابط نقشی اساسی در اصلاح فرد و جامعه داد.

۳

۳

نقد روش کناره گیری از اجتماع و عزلت کودک

اعتقاد به اجتماعی بودن انسان، از مواردی است، که در اسلام به آن تصریح شده است. چنانچه خداوند می فرماید: «وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ در تفسیر المیزان ذیل آیه آمده است که این آیه و آیات بسیار دیگری هست که دلالت می کند بر اینکه اجتماعی بودن همه شئون اسلام را می رساند و صفت اجتماعی بودن، در تمامی آنچه ممکن است به صفت اجتماع، صورت بگیرد (چه در نوامیس چه احکام)، متناسب با آن مورد رعایت شده است و برای هر وجدان آگاه، اجتماعی بودن در تمام قوانین عملی؛ یعنی دستورات معاملی عبادی و سیاسی و اخلاقی و معارف اصولی، کم و بیش روشن است.

انسان در میان تمامی موجودات، موجودی است، که باید اجتماعی زندگی کند و اجتماعی بودن انسان، به کنکاش و بررسی چندانی نیز ندارد؛ زیرا فطرت تماما افراد انسان چنین است؛ یعنی فطرت تمام انسان ها، این معنا را درک می کند و تاریخ و همچنین آثار باستانی، که از قرون و اعصار گذشته باقی مانده اند چنین نشان می دهند که انسان همیشه در اجتماع و به طور گروهی زندگی کرده است.

۳

۶

اسلام قائل به دور ساختن کودکان از اجتماع نمی باشد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «خَالَطُوا النَّاسَ أَتَوْهُمْ وَ لَا تَجَانِبُوهُمْ»؛ با مردم بیامیزید، در اجتماعشان شرکت کنید و آنان را در کار ها یاری نمائید، منزوی نشوید و از جامعه کناره نگیرید.

۳

۷

امام (علیه السلام) به طور صریح به شرکت در اجتماع فرمان داده و از منزوی شدن باز می دارد. با توجه به آیات و روایاتی که در این زمینه وجود دارد به طور صریح و روشن معین می شود که انسان همواره باید اجتماعی باشد و همیشه در معاشرت های اجتماعی دستور خداوند را به کار بندد.

۳ ، ورود ساعت: ۱۵:۳۰، خروج: ۱۵:۵۰، تاریخ ۱۳۹۹/۶/۲۴. www.wixifegh.ir. سایت ۳

۴ . آل عمران: ۲۰۰. ۳

۵. طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۹۲. ۳

۶ . همان، ص ۹۰. ۳

۷. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۱. ۳

نتیجه گیری

مطالعه و بررسی انواع نظریه های تربیتی و تطبیق و نقد آن ها از منظر اسلام ما را به ژرف نگری در باب مسائل پرورش و تربیت انسان ها و می دارد و با بررسی آراء تربیتی روسو که مورد تأیید برخی از صاحب نظران است و نقد آن از منظر تربیت نظام مقدس اسلام به این نتیجه می رسیم که اصول و روش های تربیت ژان ژاک روسو بری از اشکال نمی باشد.

اصل عزلت و تربیت منفی روسو کودکان را به نحوی نهی از ورود به اجتماع می کند و باعث کندی روند تعلیم و تربیت کودکان می شود و بهترین دوران زندگی کودک، که ذهن وی مانند لوح سفیدی، آماده ی پذیرش و آموختنی است که شاید در تمام سنین این گونه نباشد، در این نظریه به بطلان می گذرد.

تربیت اسلام بر این مبنا است که باید با تکرار و تمرین و موعظه و نصیحت کودک را متوجه امور پسندیده و نیک گردانید. اما در نظریه ی روسو، هیچ چیزی نباید بر طبیعت کودک تحمیل شود و وی را به حال و طبیعت خود واگذاریم تا طبیعت او را بدون عجله و شتاب تربیت و آموزش دهد.

همچنین طبق نظریه ی روسو هیچ تنبیهی در دوران کودکی برای او جایز نیست و فقط باید طبیعت او را تنبیه کند؛ ولی طبیعت گاهی اوقات کاملاً بی رحم است و ممکن است صدمه ای غیر قابل جبران، وارد کند.

در صورتی که تربیت اسلامی هم تنبیه را فقط زمانی صحیح و کارساز می داند که راهی جز تنبیه وجود ندارد. با این بررسی، بدست می آید دین مبین اسلام از آنجایی که کاملترین دین است، برترین و جامع ترین تربیت را به خود اختصاص داده است. و اگر تربیت جامعه ی اسلامی با تمام وجود از این نظام تربیتی تبعیت و به آن عمل کند واز ورود روش های تربیت نادرست در نظام آموزشی جلوگیری کند، بدون شک در همه ی زمینه ها موفق خواهد بود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، مصر: بی نا، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادق، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۴، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۲۸ هـ.ش .
۴. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مترجم: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ هـ.ق .
۵. رفیعی، بهروز، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد ۳، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ هـ.ش.
۶. روسو، ژان ژاک، امیل یا آموزش و پرورش، ترجمه: غلامحسین زیرک زاده، تهران: ناهید، بی تا.
۷. شاتو، ژان، مریبان بزرگ، ترجمه: علی شریعتمداری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵ هـ.ش.
۸. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی، ج ۲، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۸، قم: هجرت، ۱۴۱۰ هـ.ق .

۱۰. کاردان، علی محمد، سیر آراء تربیتی در غرب، تهران: سمت، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب اسلامی، ۱۳۶۷ هـ.ش.
۱۲. گوته، جرال د، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه: محمد پاک سرشت، تهران: سمت، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۱۳. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله، ج ۱۶، ۱۳۷۲ هـ.ش.
۱۴. مصطفوی، حسن، القرآن فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ هـ.ش.
۱۵. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۹۸ هـ.ش.
۱۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ هـ.ق.

مقالات ، فصلنامه ها، مجله و سایت

۱. امیدی، محمود، فضل الهی قمشی، سیف الله، « پژوهشی در اصول و روش های تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی (علیه السلام) و ژان ژاک روسو»، فصلنامه علمی -ترویجی اخلاق، ۱۳۹۴ هـ.ش، شماره ۱۹.
۲. آقاحسینی، تقی، صفدریان، صدیقه، « مقایسه تعلیم و تربیت کودکان از دیدگاه ابن سینا و ژان ژاک روسو»، پایگاه مجلات تخصصی نور، پژوهش های اجتماعی اسلامی، ۱۳۹۲ هـ.ش، شماره ۴.
۳. پاک سرشت، محمد جعفر، « نظریه های تربیتی و چالش های نظریه پردازی در آموزش و پرورش»، فصلنامه نوآوری های آموزش، ۱۳۸۶ هـ.ش، شماره ۲۰.
۴. سمیعی، احمد، « بازخوانی اصول تعلیم و تربیت در نظام فکری روسو»، پایگاه مجلات تخصصی نور، ۱۳۸۸ هـ.ش، شماره ۱۳۳.
۵. صدرزاده، روشنک، صدرزاده اردبیلی، ماندانا، « کاربرد نظریه ژان ژاک روسو در روانشناسی جدید»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۱۳۹۵ هـ.ش، شماره ۲.
۶. علوی، حمید رضا، شریعتمداری، علی، « بررسی تطبیقی آراء تربیتی ژان ژاک روسو و اسلام»، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، بی تا، شماره ۲.
۷. غفاری، ارسلان، غفاری، ابوالفضل، « بررسی آزادی و انضباط در فرآیند تربیت از دیدگاه کانت و روسو»، فصلنامه ارزش شناسی در آموزش، ۱۳۹۳ هـ.ش، شماره ۱.

سایت www.wixifeqh.ir، ورود